

گفت و شنود فضل الرحيم رحيم، با

احمد پرويز - آهنگساز و آواز خوان خوش صدا و با ذوق

وظیفه ما این نیست که هنر خود را تا پائین ترین قشر جامعه، و به سطح آدمهای که از سواد بی بهره هستند، پائین بیاوریم بر عکس وظیفه و رسالت ما این است تا ذوق آنها را تا بالاترین سطوح هنر بالا بکشانیم. اگر همه ئی هنرمندان ما در انجام رسالت خود چنین عمل نمایند من باور کامل دارم که در ظرف چند سال آینده ما شاهد موسیقی خوب و با کیفیت افغانی خواهیم بود.



احمد پرویز، در ۱۵ فبروری در شهر کابل، دیده به جهان گشوده از دوران کودکی علاقه وافر به دنیای هنر داشت. سیزده ساله بود که انگشتانش روی پرده های هارمونیه و طبله آشنا شد و همزمان به زمزمه آهنگهای پرداخت که در همان زمان به دلش راه یافته بود. وی هرچند که بشکل رسمی نزد هیچ استاد موسیقی شاگردی نکرده اما از

هنرمندان مختلف و منابع مختلف اساسات موسیقی را فرا گرفته است. احمد پرویز علاوه از اینکه صاحب آواز دلنشین است در فن آهنگسازی هم دسترسی دارد که تا به حال به یک تعداد از آواز خوانان جوان آهنگهای ساخته. وی دلباخته ئی سروده های بیدل و مولانا جلال الدین محمد بلخی است تصنیف اکثر آهنگهای او را غزلیاتی از مولانا و بیدل تشکیل میدهد. از سال ۱۹۹۶ م احمد پرویز در کشور هالند زندگی می کند. صنم، مبارکباد و خنجر الماس، نام سی دی های اند که به عنوان البوم آهنگهایش به علاقمندان موسیقی از سال ۲۰۰۰ م بدینسو عرضه نموده که این سی دی ها حاوی آهنگهای فلکولوریک، پاپ، غزل و کلاسیک غزل می باشند. من چندی قبل آهنگ (دریای رویا) را به آواز احمد پرویز، از طریق برنامه ۵ ستاره که آقای خلیل راغب، نوازنده، آوازخوان و گرداننده موفق، مجری آن برنامه می باشد دیدم و شنیدم که واقعاً آهنگ دلنشینی است. دلچسپ بودن تصنیف و کمپوز آهنگ (دریای رویا) مرا واداشت تا با احمد پرویز، گفت و شنودی پیرامون فعالیت هنری وی داشته باشم، خواننده صاحب دل، با احمد پرویز، گفت و شنودی داشتم از طریق تلفون که اینک متن آن گفت و شنود غرض خوانش حضور مبارک شما تقدیم است.

- از کدام سالها و چی انگیزه باعث شد که شما سراغ موسیقی را گرفتید. از آن سالها زمانی زیادی می گذرد برداشت شما چیست که شما به سراغ موسیقی رفته بودید و یا موسیقی به سراغ شما آمده بود؟

- خوب به یادم نیست و نمی دانم که من به سراغ موسیقی رفته ام یا اینکه موسیقی به سراغ من آمده بخاطریکه یادم می آید و حتا بیشتر از آن من علاقمند موسیقی بودم، از زبان بزرگان فامیل شنیدم که از سنین دو، سه سالگی که هنوز یاد خودم نیست هر آهنگ را که از تیپ و یا رادیو می شنیدم من از پشت همان آهنگ زمزمه می کردم و یک عشق عجیب و غریب به هنر موسیقی داشتم و دارم. انگیزه اش برایم تا به حال معلوم نیست ولی احساس می کنم که با موسیقی پیوند عمیق دارم و فکر می کنم از روز تولد تا حال با موسیقی هستم و امیدوارم که با موسیقی باشم تا زمانیکه حیات دارم.

- آیا در تحکیم و دلبستگی شما در پیوند با موسیقی پشتکار و تلاش شما مثر ثمر واقع شده و یا تشویق اعضای خانواده و دوستان تان؟

- هردو، به نحوی. عشق به هنر موسیقی از اول با من بوده و بعداً تشویق فامیل و دوستان و تلاش که خودم به خرچ دادم به آموختن موسیقی و زحماتی که کشیدم باعث شده که پیوندم با موسیقی بیشتر تحکیم پیدا کند.

- از نخستین باری که جرئت کردی تا در مقابل جمعی از حاضرین بنوازی و بخوانی بگوئید خود در چی وضعیت قرار داشتید و استقبال آنها چگونه بود و آیا بیاد دارید که کدام آهنگ را اجرا نمودید؟

- اولین بار در محفل عروسی مامایم، که تعداد بیشتر از تقریباً ۵۰-۶۰ نفر از اعضای فامیل خود ما حضور به هم رسانیده بودند و دو تن از دوستان مامایم هارمونی و طبله می نواختند و همزمان می خواندند. من هفت یا هشت سال بیش نداشتم که مادرم بشکل شوخی آمیز برایم گفت: "در خانه همیشه زمزمه میکنی حالا که آلات موسیقی همین جاست اگر جرئت داری بیا بخوان که همه بشنوند." مادرم فکر می کرد که من شاید خجالت بکشم و بشرم اما برعکس من با جرئت تام پهلوی آنها نشسته و در مورد آهنگهای که می خواستم بخوانم با آنها مشوره نمودم و سپس دو پارچه آهنگ محلی که همان وقت سرزبانها بود ("سبزینه رنگ آمده مهمانم هی" و "جامه نارنجی") را خواندم که برای اولین بار اعضای فامیلم صدای مرا یکجا با آلات موسیقی شنیدند و بسیار تشویق کردند البته این در سطح

فامیلی بود. ولی بعد ها در سال ۱۹۸۶ م که من در ازبکستان بودم، برای اولین بار در یکی از جشن های ملی افغانستان، در حضور ۴ یا ۵ هزار محصل ملکی و نظامی افغان، که در ازبکستان، مصروف تحصیل بودند روی استیژ رفتم دو- سه پارچه آرگن نواختم و دو- سه پارچه آهنگ خواندم قبل از کنسرت اظطراب و تشویش سر تا پایم را فرا گرفته بود ولی به فضل خداوند، از همان لحظه که پایم در استیژ رسید و افغانها را دیدم که با چه محبت به استیژ نگاه می کنند و مرا تشویق می نمایند، اینقدر قوت قلب و انرژی گرفتم که ترس و اظطراب را دیگر احساس نکردم برعکس آهنگهایم را موفقانه اجرا نمودم که مورد تشویق حاضرین قرار گرفتم.

- در عرصه موسیقی گاهی نزد استادی زانو زده اید، کدام استاد در کجا و برای چی زمانی از وی چی چیزها را آموخته اید؟

- موسیقی را بشکل پراکنده از بسیار منابع، اشخاص و استادها آموخته ام و از مشوره های شان استفاده برده ام ولی شکلی که ایجاب می کند که نزد استادی زانو بزنم و به اصطلاح شرقی هاگُر بگذارم متأسفانه این چانس تا به حال برایم مساعد نشده ولی هیچ وقت دیر هم نیست. ممکن روزی شود که همین خبر را به افتخار بگویم. منتها از هنرمند های داخل افغانستان گرفته تا استادان هندی و پاکستانی، زمانیکه آنجا زندگی می کردم تلاش کردم تا اساسات موسیقی، راکها، سر، لی و تمرین آواز را بیاموزم و این کارم تا امروز هم ادامه دارد. فکر می کنم تا زمانیکه آوازخوان و هنرمند در قید حیات است نوآموز است و باید همیشه در فراگیری و آموزش باشد.

- از آوازخوانان مطرح کشور ما کار هنری و آواز کدام یک از آنها را در کار و سلیقه هنری خود تاثیر گذار می دانید و چرا؟

- آقای فضل الرحیم رحیم، من از زمان نوجوانی بسیار یک انس عجیب و غریب داشتم به آهنگ های مرحوم احمد ظاهر، و البته تا هنوز هم دارم در همان زمان از آوازش و آهنگهایش بسیار لذت می بردم و بالای ذوق من تاثیر گذار بود بعد ها با شنیدن آهنگهای از محترم احمدولی و فرهاد جان دریا، دایره انس ام وسیعتر شد. آهسته، آهسته ذوقم راهش را بسوی غزل، تمرین و موسیقی کلاسیک باز نمود در این جا بود که با گنج عظیم که از بابای موسیقی مرحوم استاد سرآهنگ، به ما میراث مانده آشنا شدم و تا امروز از شنیدن آن لذت می برم که این همه انس و علاقه که به صدا و هنر والای آنانیکه در بالا از آنها تذکر دادم بی تردید در کار هنری من بی تاثیر نبوده و نیست.

- تا جائیکه من در جریان هستم در قسمت آهنگسازی هم کارهای دارید در این زمینه لطفاً بگویید؟

- یک بخش عمده کار مرا آهنگسازی تشکیل میدهد. در بخش ساختن آهنگ از جمله آهنگسازان همان وقت، مرحوم شاولی ولی ترانه ساز، مرحوم فضل احمد نینواز، مرحوم استاد هاشم، محترم استاد خیال، اینها کسانی اند که رایج های هنری شان در کار من از لحاظ فن آهنگسازی تاثیرگذار و الهام بخش بوده و همچنان نسل بعدی از آهنگسازان مطرح کشورما به گونه‌ی مثال آقای فرهاد دریا، آقای شادکام، آقای امیرجان صبوری، و بویژه آقای وحید قاسمی، که کار های شانرا با علاقمندی می شنوم و برایم در عرصه موسیقی الهام بخش است.

- به نظر شما که خود آهنگساز هستید و همزمان آواز خوان، بخاطریکه یک آهنگ راهش را به دلها باز کند و به یک اثر ماندگار مبدل شود چی چیز های باید در ترکیب و بافت و ساخت آهنگ مد نظر گرفته شود؟

- سوال بسیار جامع است ولی در حین حال جواب دادن به این پرسش بسیار مشکل است. بخاطر اینکه هیچ نوع ضمانت وجود ندارد که یک آهنگساز از قبل بتواند صد فیصد گرانتی کند که همین آهنگ راهی خود را به دل ها باز میکند و این آهنگ حتماً به سر زبانها قرار می گیرد. هر آهنگساز و هر آواز خوان، زمانیکه بالای یک آهنگ کار می کند نهایت آرزویش همین است که آهنگش راهش را به دلها باز نماید ولی از صدها آهنگش یک آهنگ بالاخره به دلها راه باز می کند. به نظر من باید بیشتر سر کیفیت موسیقی و کار خوب اتکا شود ولو که همان آهنگ لحظه ئی شهرت پیدا نکند ولی شاید بیست سال بعد و یا سی سال بعد همین آهنگ گل کند و زندگیش بسیار بیشتر از آهنگ های باشد که مدت زمانی کوتاهی شهرت می کشند و دوباره از بین میروند.

- شما چند البوم به شکل سی دی دارید و می شود از آنها نام ببرید؟

- من تا به حال سه سی دی، به علاقمندان موسیقی عرضه نموده ام که سی دی چهارم در راه است. سی دی اولی ام بنام "صنم" بود که در شروع سال ۲۰۰۰ م نشر شد، سی دی دومی ام "مبارک باد" نام دارد که در سال ۲۰۰۴ م عرضه شد، سی دی "خنجر الماس" در سال ۲۰۰۶ م به دسترس علاقمندان

قرار گرفت. "دریای رویا" نامی سی دی است که زیرکار است و قرار است تابستان امسال بخیر به خدمت علاقمندان تقدیم گردد.

- سی دی های که شما از آنها نام بردید حاوی چند آهنگ می باشند آیا همه ای آهنگها نو اند یا باز خوانی شده و یا که کاپی می باشند؟

- همانطوریکه در بالا تذکر دادم یک بخش عمده کارم را آهنگ سازی تشکیل میدهد، یعنی آهنگهای را که خود می خوانم و یا در سی دی ها عرضه نموده ام بیشترین از ساخته های خودم می باشند. علاوه بر من به دیگر هنرمندان جوان که تقاضا نموده اند نیز آهنگ ساخته ام. بطور مثال یک سی دی مکمل از آهنگها را برای آوازخوان جوان سلیمان سریر، که در کشور هالند اقامت دارد ساختم که بنام "افسانه و فا" به علاقمندان هنر موسیقی دو یا سه سال قبل عرضه شد و همچنان سی دی "نور دیده" از ایمل مصطفی، آهنگهایش از ساخته های من بوده که چندی پیش به دسترس علاقمندان قرار گرفته است. یک آهنگ که متین جان عثمانی بنام "شال طلایی" خوانده و در بین جوانان به اصطلاح مردم ما گل کرد از ساخته های من می باشد. شش- هفت آهنگ در سی دی تازه سلیمان جان سریر از ساخته های من می باشد. و برای یکتعداد هنرمندان نیز مصروف ساختن آهنگهای تازه می باشم. در این زمینه همین حالا نیز کارهای روی دست دارم.

- آهنگ "دریای رویا" را من از طریق برنامه ۵ ستاره آقای خلیل راغب، و همچنان در یوتیوپ دیدم و شنیدم، آهنگی دلنشین و جالبی است. دوستانی زیادی علاقمند هستند تا در مورد تصنیف و کمپوز این آهنگ توضیحات شما را داشته باشند؟

- آهنگ "دریای رویا" را من با الهام از موسیقی فلکولوریک راجستان هند ساختم، برای تصنیف این آهنگ به شعر نیاز داشتم که در این زمینه با دوست عزیزم آقای کاوه آهنگ، از چهره های مطرح ادبیات و شعر امروز کشورما تماس گرفتم. آقای کاوه آهنگ، با لطف و محبت به خواستم پاسخ گفتند و شعری برای این آهنگ ساختند که واقعاً شعر عالی است.

لینک آهنگ دریائی رویا در یوتیوپ

<http://www.youtube.com/watch?v=QBbu-CEMeo0>

- دیروز و امروز موسیقی کشور ما را چگونه ارزیابی می کنید؟

- اگر بشکل خلاصه بگویم که بحث ما به درازا نکشد موسیقی دیروز ما غنیتر از موسیقی امروز ما بود هنرمندان بیشماری به غنمندی رشد و ارتقای موسیقی از دل و جان تلاش کردند و از آن است که آثار آنان تا هنوز بر سر زبانهاست و حتا قبول نسلهای امروزی می باشد. در موسیقی امروز ما هم استعداد های شگرفی تبارز نموده اند ولی با آن هم نمی توان با نخبه های دیروز ما آنها را مقایسه نمود. سه دهه جنگ و نابسامانی موجب گردیده تا هیچ مرجع برای واری، تنظیم و ترتیب موسیقی و تفکیک آهنگ خوب از بد وجود نداشته باشد. و همچنان هیچ نهادی موجود نیست تا جوانان ما را در عرصه موسیقی و شعر رهنمائی کند تمام این عوامل دست بدست هم میدهند تا سطح کیفیت موسیقی در کشور ما پائین بیاید. هرکس هرچی خواست می سازد می خواند و نشر اش می کند. من امروز موسیقی کشور ما را ضعیف تر از دیروز میدانم اما امیدواری وجود دارد که با بهتر شدن وضع امنیتی و تامین ثبات در کشور و حضور رسانه های صوتی و تصویری، زمینه ساز رونق یابی و رشد موزون موسیقی در وطن ما گردند تا در ظرف ده- بیست سال آینده ما بتوانیم در سطح منطقه با کشورهای همسایه و بعداً در سطح دنیا با سایر کشورها با تلفیق موسیقی مدرن با موسیقی خود ما، موسیقی افغانی را مطرح و به رقابت بپردازیم.

- شما که دور از وطن در دیار غربت قرار دارید به عنوان هنرمند و آوازخوان از مشکلات جدی که به آن مواجه هستید بگوئید البته هدفم در عرصه کار های هنری تان است؟

- هنرمند در این جا در پهلوی اینکه با موسیقی سر و کار دارد مسوولیت تامین معیشت خود و فامیلش را نیز عهده دار می باشد باید در طول هفته ۵ یا ۶ روز بخاطر درآمد و معاش کار کند که بیشترین وقت صرف کار و بار می شود زمانیکه به منزل بر می گردد یک دو ساعت فارغ است که خستگی کار روزمره مجال آنرا برایش نمی دهد تا به موسیقی بپردازد. و ضمناً وضع در این جا نسبت به داخل افغانستان تفاوت دارد در آنجا آوازخوان و نوازنده و هنرمند در یک شهر در فاصله های نه چندان دور از هم دیگر زندگی می کنند اما در اینجا آواز خوان، نوازنده و هنرمند در فاصله های صدها و حتا هزار ها کیلو متر دور تر از هم دیگر قرار دارند. به گونهء مثال اگر جوانی بخواهد اثری ارایه دهد باید روزها، هفته ها و ماه ها به آهنگساز تلفون بکشد ایمیل بفرستد و یا تا فاصله های دور سفر کند تا آهنگی بدست بیاورد سپس برای ضبط آن باید از کشور های مختلف یک دو نفر نوازنده را دعوت نماید و ضمناً مصرف خیلی بلندی باید بپردازد تا آهنگش در استدیوی ثبت شود عدم موجودیت امکانات لازم باعث می شود که هنرمندان نمی توانند یک اثر خوب و بهتر هنری را به علاقمندان شان عرضه کنند.

- اگر از شما بپرسیم که موسیقی یعنی چی پاسخ شما چی خواهد بود؟

- اگر از تعریف کلیشه‌ئی و کتابی موسیقی بگذریم برای من موسیقی بقول فروغ فرخزاد، دریچه‌ای است که من از آن به اذحام کوچه‌های خوشبخت مینگرم "موسیقی زیبا ترین، لطیف ترین و ظریف ترین زبان ابراز احساسات و عواطف برایم می باشد که گاه گاهی فکر می کنم که بجای خون در رگهایم جریان دارد.

- موسیقی ریاضت و تمرین همیشگی می خواهد. آیا شما غیر از این مصروفیت کاری هم دارید و مصروفیت کاری تان مانع تمرین موسیقی تان نمی گردد؟

یقیناً، من تقریباً ۱۰-۱۱ سال می شود که در یکی از شرکت های بیمه در کشور هالند مصروف کار رسمی هستم که هفته‌ای ۵ روز کار می کنم و ضمناً در هفته‌ای یکی دو شب درس آموزشی دارم و همچنان در آخر هفته کنسرتها و یا اشتراک در محافل باعث می شود که من برای ریاضت و تمرین موسیقی وقت کافی نداشته باشم ولی با آن هم تلاش می کنم تا همه روزه با موسیقی باشم.

- در پایان اگر پیشنهادی، پیامی و گفتنی داشته باشید.

- آنچه می خواهم به رسانه های صوتی و تصویری کشور ما و ارگانهای مسوول در این زمینه پیشنهاد نمایم این است که ما در گذشته کمیسیونی مرکب از اهل خبره در عرصه ادب و طرب داشتیم که آهنگ، شعر و موسیقی را بررسی می کردند و همزمان سر، لی و صدای آواز خوان را می شنیدند بعد از تصدیق کمیسیون های مربوط، آواز خوان می توانست آهنگش را ضبط نماید. در همین جاست ما احمدظاهر، ظاهر هویدا، احمد ولی، استاد مهوش، پرستو و دیگران را داشتیم و داریم زیرا در آن زمان اگر کسی می خواست هنرمند و آواز خوان شود تلاش می کرد ریاضت می کشید تا بتواند در همه موارد از کمیسیون موفقانه بگذرد. امروز در نبود همچون کمیسیونی ما می بینیم که هرکس هرچی دلش خواست می خواند و ضبط می کند و رسانه ها هم با تاسف بدون اندکترین توجه آنرا نشر می کنند. توجه و دقت لازم امروزی رسانه های صوتی و تصویری و به ویژه ارگانهای مسوول در داخل کشور در این عرصه به غنامندی، رشد موزون و باکیفیت موسیقی ما در آینده های قریب تاثیر گزار می باشد. همزمان من پیامی دارم به تمام آوازخوانان، آهنگسازان و هنرمندان کشورم که ما نباید رسالت خود را

در برابر هنر فراموش کنیم. وظیفه ما این نیست که هنر خود را تا پائین ترین قشر جامعه پائین بیاوریم و به سطح آدمهای که از سواد بی بهره هستند بر عکس وظیفه و رسالت ما این است تا ذوق آنها را تا سطح بالای هنر بالا بکشانیم. اگر همه ای ما در انجام رسالت خود چنین عمل نمائیم من باور کامل دارم که در ظرف چند سال آینده ما شاهد موسیقی خوب و با کیفیت افغانی خواهیم بود.

از شما آقای احمد پرویز یک دنیا تشکر که به پرسش هایم پاسخ گفتید.

فضل الرحيم رحيم

۲۸ مارچ ۲۰۱۰ م

ويب سايت احمد پرويز روی صفحه انترنت:

<http://www.ahmadparwiz.com/>

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org